

از مطالعه این نشریه در زمان تفیلا و فواندن توراہ فودداری فرمایید.

# אידע קלדדע

לאקב

جهت مفا قدوسیت این نشریه از دور انداختن آن فودداری فرمایید.

22 آو 5781

## ג פ ת א ר

به فعالیت و نیروی خود می‌داند. این شخص کلاً فراموش می‌کند که تا همین چند روز پیش در وضعیت سختی قرار داشته و منتظر نجات خد-اوند بوده است.

برای ممانعت از این فراموشی باید توصیه‌ی آمده در گمارا را انجام داد. گمارا در انتهای مسخت براخوت توصیه می‌نماید: "همواره فرد باید به خاطر گذشته از خد-اوند تشکر نماید و برای آینده تفیلا بخواند." به این مفهوم که همواره شخص باید عادت داشته باشد ابتدا به سبب مواردی که در گذشته از خد-اوند دریافت نموده، تشکر نماید و سپس به درگاه خد-اوند تفیلا بخواند که این نعمت ادامه داشته باشد و اگر موردی کم دارد، خد-اوند برای او تأمین نماید. شخصی که چنین عادتی را برای خود فراهم می‌کند، به این درک می‌رسد که هر موردی که در زندگی دارد، از جانب خد-اوند به او رسیده است. فقط کافی است کمی تأمل نمود تا دید که افراد بسیاری با عقل و بینش خود تلاشهای فراوانی کردند، ولی موفق نشدند، ولی خود او با کمی تلاش به موفقیت رسید.

به همین جهت، دانشمندان توراہ تعیین کردند روزانه باید صد براخا گفت و وقتی شخص هر روز با نیت قلب صد براخا می‌گوید، مخصوصاً شکرانه‌ی پس از غذا (ברכת המזון) که دستور آن در خود توراہ آمده است، شخص به این درک می‌رسد که تمام موفقیت او از جانب خد-اوند است.

در کتاب هخینوخ آمده است:

شخصی که شکرانه‌ی بعد از غذا را با نیت می‌خواند، از جانب ا-لهی به او قول می‌دهند در تمام طول زندگی، رزق و روزی خود را با احترام به دست آورد.

وقتی شخص عادت می‌کند هر روز برای نیکیهایی که دریافت می‌کند از خد-اوند تشکر نماید، برای خود دروازه‌های نعمت بسیاری را باز می‌کند، زیرا با تشکر از خد-اوند به ناچیز بودن خویش پی

در این پاراشا توراہ فرمان می‌دهد: "مواظب باش، مبادا خد-اوند خالق خویش را فراموش نمایی و میصواهای او را انجام ندهی."

انسان در این دنیا غذا می‌خورد، سیر می‌شود، خانه می‌سازد و سرمایه‌ی خود را افزایش می‌دهد، این باعث می‌شود که متکبر شده و خد-اوند را فراموش نماید، خد-اوندی که او را از مصر بیرون آورد، در بیابان آب و غذای او را فراهم نمود و تا به امروز تمام مایحتاج وی را می‌دهد. ولی انسان این مورد را فراموش نموده و با خود می‌گوید: "قدرت و نیروی بازوان من این کار را برای من انجام دادند."

وضعیتی وجود دارد که شخص در پایین‌ترین درجه‌ی ممکن قرار داشته و به درگاه خد-اوند تفیلا می‌خواند که وی را نجات دهد و به او کمک کند تا از این وضعیت بیرون آید. خد-اوند تفیلائی او را قبول نموده، از رنج و بدبختی او را بیرون آورده و به جایی می‌رساند که به راحتی و آسانی زندگی می‌کند. اگر در این وضعیت شخص به یاد نمی‌آورد که خد-اوند این همه نعمت را به او داده و خد-اوند به او کمک کرده تا بتواند چنین زندگی را برای خود فراهم سازد، بلکه متکبر شده و می‌گوید: "من خودم با قدرت خودم این همه راحتی را فراهم کردم." چنین فردی به وضعیتی خواهد رسید که به میصواهای خد-اوند پشت پا زده و بت‌پرستی می‌کند.

این طبیعت سخت در هر فردی وجود دارد که در زمان سختی، گرفتاری و یا بیماری، در برابر خد-اوند تسلیم می‌شود، با نیت به درگاه خد-اوند تفیلا می‌خواند، اعمال خود را اصلاح نموده و میصواهای بیشتری انجام می‌دهد، زیرا می‌داند که نمی‌توان از خد-اوند درخواست کمک کرد در حالی که به میصواهای خد-اوند پشت پا می‌زند، پس در این روزهای سخت، اعمال و رفتار خویش را بهتر می‌کند. ولی وقتی سختی را پشت سر می‌گذارد و ایام راحتی وی فرا می‌رسند، به تدریج خد-اوند را فراموش نموده و موفقیت را وابسته

اگر در کیفیت و کمیت مطالب این نشریه (آی، پیشنهاد و یا سوالی در امور هلافا و زندگی) روزمره دارید از اتمام لطف

مخصوصاً در خانه باید چنین رفتاری را داشت و همواره خوبیها و نقاط مثبت همسر، فرزندان و افراد خانه را دید و آنها را تشویق نمود که این رفتار را ادامه دهند. زیرا وقتی شخص نقص دیگری را می‌بیند و برای این نقص به او توهین می‌کند، باعث دور شدن صلح و دوستی می‌گردد.

امیدواریم خداوند به ما این قدرت را بدهد که همواره خوبیهای دیگران را ببینیم که هم زندگی بهتری داشته و هم به زودی مزکی به آبادی بیت‌همیقداش شویم. آمین!

می‌برد و متوجه می‌شود تمام نعمت دنیا از جانب الهی است. چنین عادتی باعث می‌شود که شخص رفتار خود را با دیگر مردم نیز بهتر کند، زیرا وقتی چشمان خود را باز می‌کند

و نیکیهای خداوند را می‌بیند، به تدریج بیشتر خوبیهایی که اطرافیان چه در خانه و چه در بیرون از خانه در قبال او انجام می‌دهند را می‌بیند، و در برابر این خوبیها از اطرافیان خود تشکر می‌کند.

وقتی شخص عادت می‌کند موارد خوب و مثبت را ببیند، دیگر موارد منفی را ندیده و این عادت طبیعی او می‌شود. ربی الیملخ از لیژنسک روحش شاد در این باره تقیلائی تعیین نمود: "خداوند، قلب ما را هدایت کن که خوبیهای ممنوع خود و نه نقص او را ببینیم."

## توبه و پگونی انجام میسواها

سهواً گناه انجام می‌دهد، با لبخند می‌گوید: "خوب اشکال ندارد، این گناه سهواً انجام شد..."

تصور کنیم شخص می‌خواست یک لیوان نوشیدنی بنوشد و به طور سهوی یک لیوان زهر نوشید.

حال این شخص چطور خواهد بود؟

اگر به او بگوییم: "نگران نباش، از عمد که زهر نخوردی!" آیا چنین ادعایی حال این شخص را بهتر خواهد کرد؟!

برای زهر فرق ندارد که آیا سهوی یا عمدی خورده شده، در هر حالت زهر، عمل خود را انجام داده و شخص را می‌کشد، مگر اینکه وی فوراً دست به کار شود و پاد زهر بنوشد و زهر را خنثی نماید. آدمی هم که به صورت سهوی گناه انجام می‌دهد، عمل ناشایستی انجام داده و فوراً باید توبه نموده تا تأثیر ناخوشایند گناه را باطل و این گناه را کفاره نماید.

وقتی از آدمی می‌پرسیم از چه گناهایی باید توبه نمود، فوراً یک لیست از گناهان سخت را می‌گوید، ولی اصلاً گناهان به ظاهر ساده و گناهایی که شخص به صورت سهوی انجام داده را ذکر نمی‌کند.

برای مثال اگر به او بگوییم: "شخصی که در موقع قرائت توره چرت زد، یا حواسش پرت بود و خوب گوش نداد و یا به بیرون رفت تا هوایی عوض کند، این شخص باید به خاطر این گناه توبه کند."

طرف مقابل با ناباوری و تعجب به ما نگاه خواهد نمود.

ولی واقعاً از این دسته گناهان که شخص به راحتی آنها را زیر پا می‌گذارد باید توبه نمود و بیشتر از این گناهان باید نگران بود. افراد بسیاری به نزد او می‌روند و می‌پرسند: "جناب راو من چطور می‌توانم این گناه را جبران و کفاره کنم؟"

در این پاراشا توره می‌فرماید:

اگر به این قوانین گوش فرا داده، آنها را نگه دارید و انجام دهید، خداوند نیز پیمان و نیکی را که با پدران تو عهد نمود، با تو نگه خواهد داشت، تو را دوست خواهد داشت، برکت خواهد نمود، فراوانی ایجاد خواهد کرد و فرزندان تو را برکت خواهد کرد."

راشی در تفسیر این مورد می‌نویسد: منظور از این جمله، میسواهای (ظاهراً) کم اهمیت هستند که شخص آنها را زیر پا می‌گذارد. اگر وی این میسواها را نگه دارد، خداوند نیز عهد و پیمان خود را نگه خواهد داشت.

ربی خیییم از وولوزین روحش شاد در کتاب نقش هخییم می‌نویسد: هر فردی که کمی خدا-اترس است، طبیعتاً از عمد، گناهی انجام نخواهد داد و به همین جهت غریزه بد او را به اشتباه می‌اندازد، غریزه بد به چنین فردی نمی‌گوید: "درست است که این عمل گناه است، ولی تو هر کار که دلت می‌خواهد انجام بده." زیرا در این صورت فرد خدا-اترس به حرف غریزه بد گوش نخواهد داد. بلکه غریزه بد به چنین فردی می‌گوید: "این گناه آن قدر هم که فکر می‌کنی سنگین نیست."

و با این سخنان باعث می‌شود که فرد سنگینی گناه را فراموش نماید و به دام گناه بیافتد.

از این رو ربی خیییم از وولوزین می‌فرماید:

فرد باید مواظب باشد به طور سهوی مرتکب گناه نشود. وقتی وی به طور عمدی گناه انجام می‌دهد، این گناه آرامش او را به هم زده و او را نگران می‌کند. در چنین وضعیتی فرد با خود می‌گوید:

"چطور رفتم و از عمد خداوند را عصبانی کردم."

ولی وقتی شخص به طور سهوی گناه انجام می‌دهد، با خود می‌گوید: "نمی‌دانستم"، "اطلاع نداشتم"، "فراموش کردم" و از این بهانه‌ها و به زندگی عادی خود ادامه می‌دهد. گاهی وقتی فرد

“ای افرادی که با نخ نازک، گناه و با طناب ارابه، خطا را می‌کشید.” حتی تار عنکبوت و نخ نازک نیز وقتی چند لایه شده و به هم متصل شوند، طناب کلفتی را به وجود می‌آورند.

داوید هملخ در این باره می‌نویسد:

“گناهانی که زیر پا گذاشته‌م من را احاطه کردند.”

این گناهان ظاهراً ساده که شخص به راحتی آنها را زیر پا می‌گذارد، هنگام قضاوت، شخص را احاطه نموده و او را به زمین می‌اندازند. شخص اصلاً به فکر نیست که از این دسته گناهان توبه نماید و نمی‌داند همین گناهان ظاهراً ساده، به سبب دفعات بسیاری که انجام شده، گناهان سنگینی هستند که در انتها به ضرر شخص تمام می‌شوند.

ربنو یونا در کتاب دروازه‌های توبه می‌نویسد:

شخص نباید به اندازه گناه نگاه نماید، زیرا با این طرز نگاه، گناه را کم اهمیت می‌داند و وقتی مرتکب آن گناه می‌شود با خود می‌گوید: “من قصد انجام گناه نداشتم و در هر صورت این گناه کم اهمیت است.”

شخص باید به عظمت خداوند نگاه کند که دستور داده این میصواها را انجام دهیم. باید تأمل نمود که این خداوند است که هم میصواهای پر اهمیت و هم میصواهای ساده را دستور داده و ما موظفیم تمام میصواها را انجام دهیم.

جزئیات هر میصوا از دیگر مواردی هستند که شخص به آنها اهمیت نمی‌دهد. اگر از فرد بپرسیم، چطور یک میصوا را باید انجام داد، برای مثال میصوای پوشیدن صیصیت و گذاشتن تفیلین، آن فرد متعجبانه نگاه خواهد کرد و می‌پرسد: “چه مشکلی هست؟ هر کودکی بلد است این میصواها را انجام دهد.”

ولی در واقع اینطور نیست! در کتاب خریدیم آمده است: ##هفده

شرط لازمه هر میصوا هستند#

به این منظور که قبل از انجام هر میصوا باید هفده مورد را انجام داد. برای مثال، قبل از انجام هر میصوا باید نیت بست که می‌خواهد امر میصوای خداوند را انجام دهد، یا هنگام انجام میصوا باید شاد بود، و یا در انجام میصوا باید زرنگ و چاپک بود، و چند میصوا را هم زمان با هم انجام نمی‌دهند و غیره.

پس شخص باید این موارد را بیاموزد و بداند چطور باید میصواهای خداوند را انجام داد.

هنگام خواندن تفیلا، سیدور را در دست گرفته و بدون نیت، کلمات و جملات تفیلا را می‌خواند، بدون اینکه متوجه باشد، چه می‌گوید و با کی صحبت می‌کند. تفیلای بدون نیت به مانند بدن بیجان می‌ماند و اصل تفیلا خواندن، نیت قلب آدم است. ولی اکثر مردم به این اصل توجه ندارند و به همین سبب تورا در این پاراشا دستور می‌دهد که باید قوانین تورا را انجام داد. قبل از انجام میصوا باید

ولی تا به حال اتفاق نیفتاده که شخصی به نزد او بیاید و بپرسد: “جناب راو، من در حین تفیلا و قدیش صحبت کردم و حال می‌پرسم چطور می‌توانم این گناه را جبران و کفاره کنم؟” چرا؟

زیرا اکثر مردم فکر می‌کنند این میصوا کم اهمیت است!

ربی یوسف کارو روحش شاد در کتاب خود بیت یوسف فقط موارد هلاخا را می‌نویسد و اصلاً حکایت و داستان ذکر نمی‌کند. ولی در بخش اور هخیم (فصل ۵۶ و نیز در فصل ۱۲۵) این داستان را ذکر می‌کند و می‌نویسد:

یک بار یکی از دانشمندان تورا در دوره تلمود در راه بود که با الياهو هناوی برخورد نمود و دید الياهو هناوی چهار هزار شتر را که بارشان پر از خشم و عصبانیت بود، می‌برد. این دانشمند از مشاهده این همه خشم و عصبانیت وحشت زده شد و با نگرانی از الياهو هناوی پرسید:

“این همه خشم و عصبانیت مال چه افرادی است؟”

الياهو هناوی در پاسخ فرمود: “این خشم و عصبانیت برای اشخاصی است که هنگام قدیش، تفیلا خواندن شالیخ صیبور و براخای افراد کهن، صحبت می‌کنند.”

شخص نمی‌تواند حتی بار یک شتر که خشم و عصبانیت است را تحمل کند، صد البته که بار هزاران شتر را. حال چه شخصی به این گناه توجه می‌کند و نگران است که هنگام خواندن تفیلا صحبت نکند؟ اکثر مردم فکر می‌کنند این مورد اصلاً گناه نیست و به راحتی این گناه را زیر پا می‌گذارند.

مورد دوم تعداد این گناهان است. شخص فکر می‌کند این گناهان ساده هستند و همواره این گناهان را زیر پا می‌گذارد و گناهان بسیاری را انجام می‌دهد. دانشمندان تورا می‌فرمایند که اگر شخص، گناه ساده‌ای را دفعات بسیاری انجام دهد، در انتها به وضعیتی خواهد رسید که این گناه ساده از یک گناه سنگین هم بدتر خواهد بود.

برای مثال، اگر در روز شبات شخصی، بیمار باشد و فوراً باید به او غذا داد و برای تهیه غذا دو راه وجود دارد:

یا باید مرغی شخیطاً نمود که این گناه خوار کردن شبات را به همراه دارد که مجازات آن کارت و سنگسار است. و یا می‌توان از یک مرغ تلف شده استفاده نمود که خوردن مرغ تلف شده فقط یک امر نهی ساده، بدون مجازات کارت و سنگسار است.

دانشمندان هلاخا در این باره می‌فرمایند ترجیحاً باید مرغی شخیطاً نمود و از مرغ تلف شده، استفاده نکرد، زیرا با شخیطای مرغ، فقط یک گناه انجام می‌دهد، ولی با خوردن هر سی گرم از مرغ تلف شده، یک گناه دیگر انجام می‌دهد و در نتیجه به وضعیتی می‌رسد که یک گناه ساده را دفعات بسیاری انجام داده که این مورد از انجام یک گناه سنگین، بدتر است.

در این باره ישعيا هناوی (فصل پنجم) می‌فرماید:

شخص باید ارزش هر میصوا را بداند و همواره به یاد داشته باشد که خد-اوند بر اهمیت هر میصوا تأکید می‌نماید. هنگام انجام میصوا ، شخص باید شاد باشد که امر خد-اوند را انجام می‌دهد. در مورد ربی باروخ بحر روحش شاد تعریف شده که هر روز صبح ، وقتی از خواب بیدار می‌شد ، شادی مخصوصی روی صورت او بود.

اکثر مردم وقتی از خواب بیدار می‌شوند ، ناراحت هستند که چرا نمی‌توانند بیشتر بخوابند و حال باید از تخت بیرون بروند. به همین سبب کمی عصبانی هستند و فقط پس از گذشت چند دقیقه به حالت عادی برمی‌گردند. ولی ربی باروخ بحر ، هر موقع از خواب بیدار می‌شد ، شادی مخصوصی روی صورت او بود.

شاگردان ربی باروخ از وی پرسیدند:

”دلیل شادی شما هنگام بیدار شدن از خواب چیست؟“

ربی باروخ در پاسخ فرمود: ”وقتی من از خواب بیدار می‌شوم تا به آموزش توره بزرگان دوره مشغول شوم ، خود به خود شادی به سراغ من می‌آید.“

وقتی شخص با نیت قلب و تمرکز مشغول به انجام میصوا می‌شود و می‌داند هر میصوا یکی از اوامر خد-اوند است ، این شادی در قلب او نیز ساکن می‌شود.

برگرفته از ”مگید دواراو لיעقوب“

خود را برای انجام میصوا آماده کند و نمی‌توان بدون آمادگی میصوایی را انجام داد.

برای مثال میصوای براخا گفتن. افرادی هستند که بدون نیت براخا می‌گویند و یا هنگام گفتن براخا مشغول به انجام اعمال دیگر هستند. به عنوان مثال ، هنگام گفتن براخای ”اشر یاصر“ در استان خود را خشک می‌کنند و توجهی به کلمات براخا ندارند. باید توجه داشت در موقع براخا گفتن و تفیلا خواندن ، شخص در مقابل خد-اوند قرار دارد و با خد-اوند صحبت می‌کند ، پس باید برای انجام این میصواها ، خود را آماده نمود و با ترس و احترام جلوی خد-اوند ایستاد.

کمتر از دو ماه دیگر روز کیپور فرا می‌رسد و در روز کیپور ، هر کس سعی دارد بیشتر به خد-اوند نزدیک شود و در این روز ، شخص از صمیم قلب قول می‌دهد که فرد بهتری باشد ، ولی همین که یکی دو روز از کیپور می‌گذرد ، دیگر این احساس را از دست می‌دهد و به همان فرد قبلی برمی‌گردد. دلیل این است که خود را آماده نمی‌کند که تأثیر روز کیپور را در تمام سال جاری نماید.

شاگردان یشیوای کِلِم نیز از این مورد نگران بودند که چند روز بعد از کیپور ، احساس و تأثیر روز کیپور را از دست بدهند پس هر ده روز یک بار ، با ترس و لرز در مقابل خد-اوند می‌ایستادند و به مانند روز کیپور توبه می‌کردند.

## مخاطبین محترم

هر روز به غیر از روز جمعه شیصور توره به زبان فارسی اجرا می‌شود.

\*صبح از ساعت ۱۱:۰۰ - ۱۰:۰۰ شیصور پند و اندرز

\*بعدازظهر از ساعت ۱۶:۱۵ - ۱۵:۳۰ شیصور هلافا

\*بعد از پایان شب‌ات از ساعت ۲۳:۰۰ - ۲۲:۰۰ پارانهای هفته

شیصورها به صورت زنده از طریق کل هلاشون (קול הלשון) پخش می‌شوند. شماره: ۰۳-۶۱۷۱۱۱۱-۰۳ داخلی ۷\* و سپس ۲۲۲۵

## قابل توجه خوانندگان گرامی

در مملهای ذیل امکان دریافت نشریه چاپ شده وجود دارد و به هیچ عنوان نماینده‌ای

برای جمع‌آوری کمک به نشریه ندارد:

\***یروشالیم:** گئولا ، خیابان ملفی ایسرائل شماره ۲۵ فروشگاه آقای فرجیان

\***تل آویو:** خیابان علیا شماره ۲۳ ، آقای کهن فولادی ۰۵۴-۹۳۷۸۲۸۱ \***کفرسابا:** آقای مووی کهن تلفن ۰۵۲-۳۵۶۱۵۲۹

\***ناتانیا:** آقای فرهاد تراشندگان تلفن ۰۵۲-۸۶۸۶۸۸۶ \***پیتار:** خانواده آقای نورانی تلفن ۰۵۴-۸۴۲۸۹۳۶

\***تارنمای:** [پارانهای هفته ۱](#) [پارانهای هفته ۲](#)